

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد
 تاریخ: ۲۲ آذر ۱۳۹۵
 موضوع جزئی: بررسی آیه دوم - مفردات: «العالمین» - معنای کلی آیه
 مصادف با: ۱۲ ربیع الاول ۱۴۳۸
 جلسه: ۱۷

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

«العالمین»

آخرین کلمه‌ای که از آیه دوم باقی مانده است، کلمه «عالمین» است. در مورد «عالمین» چند احتمال ذکر شده است:

احتمال اول

یک احتمال که بسیار بعید است و نه فی نفسه شاهد و دلیلی برای آن هست و نه در این آیه معنا و مفهومی دارد این است که «عالم» اسم مفعول باشد و «عالمین» به معنای معلومین، در مقابل عالم که اسم فاعل است، این اساساً نه در لغت شاهد و دلیل دارد و نه در آیه معنا دارد، این که بگوییم «رب العالمین» یعنی «رب المعلومین»، این بی معنا و بی مورد است لذا این احتمال قائل هم ندارد.

احتمال دوم

این که «عالمین» جمعی است که از جنس خود مفرد ندارد، مثل «قوم» که مفرد ندارد، لذا عالمین یک لفظی است که مشتمل بر جمیع اصناف مخلوقات عالم است، از مادی گرفته تا مجرد، پس عالمین یعنی همه انواع و اصناف خلق خدا، دیگر منحصر به مادی نیست، بلکه شامل مجردات هم می‌شود و حتی منحصر به انسان نیست و شامل غیر انسان‌ها هم می‌شود و همه موجودات را در بر می‌گیرد.

احتمال سوم

اینکه «عالمین» جمع عالم باشد به معنای «ما یعلم به»، آنچه که با آن می‌توان علم پیدا کرد، این در وزن «فاعل» نظائر هم دارد، مثل «خاتم»، آنچه که با آن مهر می‌زنند، یا «قالب»، آنچه که با آن قالب می‌زنند، بر این اساس عالم اگر به این موجوداتی که در این عالم هستند گفته می‌شود به این جهت است که هر موجودی آیت و نشانه خداست که بوسیله آن به خدا علم پیدا می‌شود.

پس اگر عالمین جمع عالم باشد به معنای «ما یعلم به»، این یک معنای بسیار عامی پیدا می‌کند، هم به تک تک موجودات «عالم» اطلاق می‌شود، چون «ما یعلم به» با آن علم به خدا پیدا می‌شود، چون هر موجودی نشانه خدا است، هم به مجموعه خاص از موجودات «عالم» اطلاق می‌شود، مثلاً می‌گوییم: عالم جمادات، عالم نباتات، عالم انسانها و هم به کل عالم هستی عالم اطلاق می‌شود، یعنی عالم وجود.

آنچه که اینجا می‌توانیم بگوییم این است که یک صنف خاص یا یک نوع خاص یا مجموعه‌ای از موجودات یا در مقابل اینها تک تک موجودات خصوصیتی ندارد بلکه، عالمین یک معنای وسیع و عامی دارد که همه این اقسام و انواع را در بر می‌گیرد.

نظر علامه طباطبائی

مرحوم علامه طباطبائی به استناد دو شاهد و دو دلیل ادعا می‌کند عالم در اینجا به معنای صنف صنف انسانها است، با اینکه این ظرفیت را دارد که هم به تک تک موجودات اطلاق شود و هم به انواعی از موجودات، هم به اصنافی از موجودات و هم به مجموعه عالم وجود، ولی ایشان می‌فرماید: به استناد این دو شاهد می‌توانیم بگوییم در اینجا وقتی می‌گوید «عالمین» یعنی «کل صنف من الناس» صنف صنف از انسانها. چون:

اولاً: این معنا با مقام این آیات مناسب‌تر است، چون در این آیات، هم آیه اول و هم آیات بعد، در مقام شمردن اسماء حسناى خدا است، قبل آن می‌گوید «بسم الله الرحمن الرحيم»، الله را گفته است، رحمن را گفته، رحيم را گفته است و بعد از آن حمد می‌کند و بعد دوباره می‌گوید «الرحمن الرحيم» بعد می‌گوید «مالک يوم الدين»، دین به معنای جزاء است و جزاء در روز قیامت مخصوص انس و جن است، این نشان می‌دهد مراد از «عالمین» همان عوالم انس و جن است، یعنی صنف صنف از انسانها و جن، پس به قرینه «مالک يوم الدين» منظور از عالمین در «رب العالمین» یعنی رب اصناف انسانها که خداوند در روز آخرت جزای آنها را به اعتبار اعمالشان خواهد داد.

ثانیاً: عالمین در موارد دیگری که در قرآن استعمال شده به همین معنا است، یعنی یک صنف خاصی از انسانها، مثل «وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^۱، تو را بر همه زنان عالم برگزید، این یک صنف خاصی از انسانها را ذکر می‌کند، یا آیه «لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»^۲، برای اینکه هشدار دهنده باشی برای عالمین، این انذار نسبت به اصناف مختلف انسانها است.

لذا ایشان تقریباً بوسیله این دو شاهد می‌خواهد نتیجه بگیرد که مراد از عالمین صنف یا صنف صنف انسانها هستند.

بررسی نظر علامه

اما به نظر می‌رسد نه شاهد اول و نه شاهد دوم چنین دلالتی ندارند، اینکه این اسماء در آیات قبل و بعد ذکر شده است این دلیل نمی‌شود که مراد از عالمین خصوص انسانها باشد، چون قبل از آن «الرحمن و الرحيم و الله» ذکر شده است، اینها اسماء خدا هستند که همه موجودات را در بر می‌گیرند، اما مالک به عنوان یک اسم خاص نمی‌تواند قرینه باشد که مقصود از عالمین خصوص انسانها هستند، اسماء دیگری هم ذکر شده است، «الرحمن و الرحيم» که اینها هیچ شهادتی نمی‌توانند داشته باشند براینکه در اینجا خصوص اصناف انسانها مد نظر است.

۱. سوره آل عمران: آیه ۴۲.

۲. سوره فرقان: آیه ۱.

اما اینکه در هر جای قرآن، عالمین ذکر شده به این معنا است، این هم اینگونه نیست، در آیاتی از قرآن عالمین به معنای جوامع انسانی آمده است، مثل «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۱، اینجا عالمین به معنای جوامع انسانی و هدایت برای انسانها است، در بعضی از آیات به معنای عوالم امکانی آمده است، مثل «قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ»^۲، یعنی همه عوالم امکانی در اینجا مد نظر است، در خود همین سوره حمد ما نمی‌توانیم به این معنا بگیریم.

بنابر این آنچه که از معنای عالمین فهمیده می‌شود همه عوالم و جهان‌ها است، نه جهانیان، هر چند بعضی عالمین را به معنای جهانیان گرفته‌اند، یعنی وقتی می‌گوییم «رب العالمین»، به این معناست که عوالم مختلف طولی و عرضی متعددی در این عالم وجود دارد که همه آن‌ها را خدا ربوبیت می‌کند، حال از عالم ملکوت گرفته تا عالم ناسوت، به اعتبار دیگر عالم مجردات و عالم مادیات، عالم فلکیات عالم عنصریات و... در یک کلمه عوالم امکانی، هر عالمی در دایره موجودات امکانی، تحت ربوبیت خدا است، پس عالمین ضمن اینکه می‌تواند مقصود از آن تک تک موجودات باشد، اما اولی این است که ما عالمین را به معنای عوالم امکانی بگیریم، تک تک موجودات بدون اینکه حیثی آنها را از هم جدا کند قطعاً تحت ربوبیت خدا هستند، اما اگر بگوییم به طور کلی ما سوی الله و موجودات همه به غیر از خدا، این‌ها به حسب قابلیت‌ها و استعدادهای خودشان تقسیم و دسته بندی می‌شوند در عوالم مختلف، یک عده در عالم مجردات هستند و عده‌ای در عالم مادیات، آنهایی که در عالم مجردات هستند باز عوالم متعددی دارند، ما بگوییم همه عوالمی که در عالم وجود و در عالم هستی هست، امور اینها را خدا تدبیر و ربوبیت می‌کنند، این بهتر است تا اینکه بگوییم یکی یکی موجودات را، کأنّ خداوند متعال همه این موجودات را جاگذاری کرده است، هر کدام را در یک عالمی، کأنّ نظامات متعددی در این عالم قرار داده شده است، مجموعه‌ای از نظام‌ها که همه اینها با ربوبیت خداوند پیش می‌رود، قهراً وقتی آن عوالم را خدا اداره و ربوبیت می‌کند، موجودات آن عوالم هم تحت ربوبیت او هستند، به عبارت دیگر اگر ما بگوییم خداوند تک تک موجودات را ربوبیت می‌کند، ربوبیت عوالم به معنای جهان‌ها از آن بدست نمی‌آید، اما، اگر بگوییم خداوند عوالم و جهانها را ربوبیت می‌کند، قهراً لازمه آن ربوبیت تک تک موجودات هم است، لذا در مجموع به نظر ما در تفسیر کلمه عالمین بهتر است که بگوییم عالمین یعنی عوالم متعددی که همه موجودات در این عوالم گنجانده شده‌اند.

نکته

یک نکته‌ای که وجود دارد این است که، اصلاً در فارسی چرا به این عالم جهان گفته می‌شود، وجه تسمیه آن چیست؟ جهان به چه معنا است؟

^۱ . سوره آل عمران: آیه ۹۶.

^۲ . سوره شعراء: آیه ۲۳.

جهان در لغت فارسی از ریشه جهنده است، جهش، و چون این عالم، نظام هستی، همه موجودات به نوعی در حال حرکت و جهش هستند، لذا به این جهت به آن جهان گفته می‌شود، جهان یعنی یک نظام و یک وجود و یک هستی که به نوعی در ذات آن این جهندگی و حرکت وجود دارد، به این لحاظ به آن جهان گفته می‌شود.

معنای کلی آیه

با توجه به مفردات این آیه، که «حمد» به معنای ثنا و ستایش در برابر اثر کمال یا عمل جمیلی که اختیارات از سوی محمود صادر می‌شود، «ال» هم می‌تواند الف و لام استغراق یا جنس باشد، اگر الف و لام استغراق باشد اسم در اسم الله متکثر است، اگر الف و لام جنس باشد اسم، اسم متکثر نیست. «رب» هم به معنای هدایت و سوق اشیاء به سوی کمال می‌باشد و عالمین هم یعنی همه عالم امکانی (آن‌گاه معنای آیه این می‌شود:

هر حمدی از ناحیه هر حامدی برای هر محمودی، (اطلاق و استغراق از سه جهت دارد)، این فقط و فقط برای خدا است، خدایی که هدایت کننده و سوق دهنده همه عوالم به سوی کمال خودشان است.

تناسب حمد و ربوبیت

چرا در اینجا که خداوند متعال فرمود «الحمد لله رب العالمین» حمد را در کنار این اسم خداوند آورد، می‌توانست بگوید «الحمد لله الرحیم» یا «الحمد لله الرحمن»، یا «الحمد لله المالك»، اسمای دیگری را می‌توانست بیاورد اما اینجا فرمود «الحمد لله رب العالمین»، یعنی اسم رب را ذکر کرد و اشاره به مسئله ربوبیت خدا کرد، این نشان می‌دهد بین حمد و ربوبیت یک تناسب وجود دارد.

تناسب بین حمد و ربوبیت از دو جهت می‌تواند باشد:

جهت اول

اینکه خداوند متعال با دست تربیت و ربوبیت خودش همه موجودات این عالم را از ضعف به سوی قوت، از نقص بسوی کمال، از ظلمت به سوی نورانیت هدایت می‌کند، این در مورد انسان‌ها به یک نحو است، در مورد موجودات دیگر به نحو دیگر، به عبارت دیگر خداوند یک ربوبیت تکوینی دارد و یک ربوبیت تشریحی، ربوبیت تکوینی خدا این است که خداوند موجودات این عالم و حتی انسان را از حیث تکوین سوق به سمت کمال می‌دهد و هدایت تکوینی می‌کند، ربوبیت تشریحی خداوند این است که خداوند انسان را به سمت کمالات انسانی سوق می‌دهد، لذا بعضی مشمول ربوبیت تشریحی خدا هستند و بعضی نیستند، کفار و ظالمین و ستمگران اینطور نیست که از ربوبیت خدا مطلقاً خارج باشند، آنها تحت ربوبیت تکوینی خدا هستند و تنها ربوبیت تشریحی خدا شامل آنها نشده است، به این معنا که خودشان نخواسته‌اند، و خود را از دایره تربیت و هدایت خدا خارج کرده‌اند.

بنابر این از آنجا که حمد هر موجودی اعم از انسان و غیر انسان (که گفتیم حمد و ستایش مختص به ذوی العقول نیست)، چون همه موجودات این عالم خداوند را حمد می‌کنند، و حتی اگر خدا را هم حمد نکنند باز این بازگشت به

حمد خدا است چون اوست که کمال مطلق است، حمد و ثنای هر حامدی از موجودات این عالم در واقع نسبت به خدا از این باب است که خدا دارد او را ربوبیت می‌کند، خداوند او را هدایت می‌کند و خداست که او را از نقص به کمال و از ضعف به قوت پیش می‌برد، پس ارتباطی که بین حمد و ربوبیت است به این جهت است که معنای حمد ثنا در برابر اثر کمال یا عمل جمیلی است که اختیاراتاً از محمود به حامد می‌رسد، وقتی کار خداوند این است که موجودات را از نقص به کمال ببرد و به این اعتبار به او رب گفته می‌شود و ربوبیت می‌کند، پس حمد با ربوبیت تناسب دارد.

به عبارت دیگر معنای حمد معلوم شد، یعنی ستایش و تحمید و ثنای محمود بخاطر اثر کمال یا عمل جمیلی که محمود از روی اختیار انجام می‌دهد، رب هم یعنی سوق دادن اشیاء به سوی کمال، پس حمد تناسب پیدا می‌کند با ربوبیت، پس معنای حمد یعنی ستایش برای اثر کمالی، ربوبیت هم یعنی کامل کردن و سوق دادن به سوی کمال، بر این اساس حمد با ربوبیت تناسب پیدا می‌کند، اگر غیر از «رب العالمین» در اینجا می‌آورد، این خصوصیت در آن نبود، «الرحمن، الرحیم، الله» همه اینها اسماء خداوند هستند، ولی آنچه که اینجا مهم است تناسبی است که بین حمد و ربوبیت است، ما قبلاً گفتیم رب هم طبق معنایی که ما کردیم از اسماء افعال است، یعنی خدا بخاطر این کاری که می‌کند به او رب گفته می‌شود و به همین جهت حمد می‌شود.

جهت دوم

از زاویه دیگری می‌توانیم بگوییم: همه عالم از فلکیات و عنصریات و عرضیات، خلق شده است برای انسان کامل، همه مقدمه وجود انسان کامل هستند، انسان کامل به تعبیر اهل معرفت، ولیده و عصاره این عالم است، ماسوی الله اگر خلق شده، همه اینها مقدمه بوده برای آن عصاره که اسم آن انسان کامل است. اگر عصاره هستی انسان کامل است، و خداوند دارد این عالم را پیش می‌برد برای آن غایت، یعنی انسان کامل، پس به اعتبار آن باید تحمید شود، حمد و ستایش و ثنا برای خدایی که ربوبیت دارد، عالم را تمشیت و هدایت می‌کند، همه هستی را برای انسان کامل که کامل‌ترین موجود است، این حمد برای او است، نهایت حمد می‌رسد به خداوند برای انسان کامل. این یک تفسیر خاص‌تری است.

به هر حال چه به وجه اول و چه به وجه دوم، تناسب بین حمد و ربوبیت به نوعی از اینجا استفاده می‌شود.

بحث جلسه آینده

یک نکته‌ای وجود دارد که چرا حمد اختصاص به خدا دارد، چرا خدا فقط حامد است، چرا خدا فقط محمود است، ان شاء الله عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»